

رییس‌جمهور روسیه در گفت‌وگو با رادیویک اروپا:

امیدوارم در آستانه هیچ جنگی نباشیم

مترجم: حسین خلیلی



عکس: AFP

من بر این موضوع اصرار دارم کسانی که در آن مناطق زندگی می‌کنند، حقوق مشخص خود را دارند و باید بتوانند برای رسیدن به این حقوق مبارزه کنند. نکته اصلی همین جاست. **آیا خبر بروز جنگ وجود دارد؟**
هیماکتون ما شاهد اعزام تانک‌ها از کی‌ف به سمت این مناطق هستیم. آیا این شما را تحریک نکرده که به مناطق شرقی اوکراین نیروی نظامی اعزام کنید؟

در مصاحبه ناچاریم سوالات کوتاه بپرسیم و جواب‌های کوتاه بگیریم. اما اگر کمی صبر کنید و یک دقیقه به من مهلت دهید، به شما می‌گویم که نظر ما نسبت به این شرایط چیست. چه اتفاقی در اوکراین افتاد؟ در آنجا نبرد و درگیری‌هایی شکل گرفت که دلیل آن امتناع رییس‌جمهور سابق اوکراین از امضای توافقنامه همکاری با اتحادیه اروپا بود. روسیه موضعی مشخص در این زمینه داشت. ما اعتقاد داشتیم که امضای این توافقنامه کاملاً غیرمنطقی است چراکه اثرات مخربی روی اقتصاد اوکراین و اقتصاد روسیه داشت. ما ۳۹۰ توافقنامه اقتصادی با اوکراین داریم و اوکراین عضو منطقه تجارت آزاد کشورهای CIS است. ما نمی‌توانستیم به رابطه اقتصادی با اوکراین به‌عنوان

عضوی از منطقه آزاد تجاری ادامه دهیم. این موضوع را با شرکای اروپایی خود در میان گذاشتیم. اما دوستان اروپایی ما و دوستان‌مان در ایالات‌متحده، به‌جای مذاکره بر سر این موضوع از طریق ابزارهای دیپلماتیک، از کودتای نظامی غیرقانونی در اوکراین حمایت کردند. این دقیقاً آن چیزی بود که رخ داد. ما نقشی در بروز و شکل‌گیری این بحران نداشتیم. ما مخالف روند این اتفاقات بودیم اما پس از این کودتای غیرقانونی...

اما هم‌اکنون شاهد بروز تنش‌های فراوانی هستیم. شما در نرماندی در مورد صلح سخن خواهید گفت و این در حالی است که باراک اوباما در حال تشویق اروپا به مسلح‌کردن خود است. ما همواره باید در مورد صلح صحبت کنیم اما باید نسبت به دلایل و ماهیت این بحران نیز آگاهی داشته باشیم. نکته اساسی این است که هیچ‌کس نباید از طریق کودتای نظامی و غیرقانونی به قدرت برسد. هنگامی که حوادث اوکراین اتفاق افتاد، برخی از مردم رژیم را پذیرفتند و خوشحال بودند، برخی دیگر در مناطق شرقی و جنوبی اوکراین آن را نپذیرفتند.در واقع به جای فرستادن تانک به آنجا، باید با کسانی که تغییر قدرت را نپذیرفته‌اند، مذاکره کرد.

ما همواره باید در مورد صلح صحبت کنیم اما باید نسبت به دلایل و ماهیت این بحران نیز آگاهی داشته باشیم. نکته اساسی این است که هیچ‌کس نباید از طریق کودتای نظامی و غیرقانونی به قدرت برسد. هنگامی که حوادث اوکراین اتفاق افتاد، برخی از مردم رژیم را پذیرفتند و خوشحال بودند، برخی دیگر در مناطق شرقی و جنوبی اوکراین آن را نپذیرفتند.در واقع به جای فرستادن تانک به آنجا، باید با کسانی که تغییر قدرت را نپذیرفته‌اند، مذاکره کرد.

آما آقای رییس‌جمهور، آمریکا و کاخ‌سفید ادعا می‌کنند شواهدی مبنی بر دخالت شما در این درگیری‌ها، اعزام نیروهایتان به این مناطق و ارسال تسلیحات در اختیار دارند. آنها می‌گویند در این زمینه مدرک دارند. آیا به این موضوع باور دارید؟
مدرک؟ چرا مدرکشان را رو نمی‌کنند؟ تمام دنیا سخنان وزیر خارجه پیشین آمریکا مبنی بر وجود مدارک متفق دان می‌رود. وجود تسلیحات مشترک جمعی در دست رژیم صدام را به یاد دارند. نیروهای آمریکا به عراق حمله کردند، صدام حسین اعدام شد و بعدها مشخص شد که هیچ سلاح کشتار جمعی در عراق وجود ندارد. شما به‌خوبی می‌دانید که بین حرف‌زدن و مدرک‌داشتن، تفاوت زیادی وجود دارد. من بار دیگر به شما می‌گویم، هیچ نیروی روسی در اوکراین نیست.

آیا می‌گویید آمریکا دروغ می‌گوید؟
هیچ نیروی نظامی و هیچ کارشناس روسی در مناطق شرقی و جنوبی اوکراین وجود ندارد و پیش‌تر نیز نبوده است. بنابراین شما به‌دنبال ضمیمه‌کردن اوکراین به خاک روسیه نیستید و هرگز در جهت بی‌ثبات‌کردن آنجا تلاش نکرده‌اید؟
ما هرگز این کار را انجام ندادیم. دولت اوکراین باید هم‌اکنون نشسته به‌جای ارسال تجهیزات و ادوات نظامی با مرمنش مذاکره کند.

آر رییس‌جمهور جدید اوکراین در ۲۵ می و از طریق یک انتخابات دموکراتیک انتخاب شد. آیا شما پترو پوروشنکو را به‌عنوان یک رییس‌جمهور قانونی به رسمیت می‌شناسید؟

من پیش‌تر نیز گفته‌ام و حال می‌گویم که ما به انتخاب مردم اوکراین احترام خواهیم گذاشت و با مقامات اوکراینی همکاری‌می‌کنیم.

آیا شما بر پوروشنکو دیدار می‌کنید؟ شما پیش‌تر گفتید تنها در شرایطی با او همکاری می‌کنید که او کاملاً تسلیم آمریکان‌باشد.

من نگفتم که او نباید تحت تاثیر آمریکا نباشد. او در این زمینه کاملاً آزاد است. او می‌تواند قبول کند که تحت تاثیر چه کسی باشد.

آیا شما استقلال اوکراین و موضع بی‌طرفانه آن در قبال رابطه با روسیه و غرب را به رسمیت می‌شناسید؟
بله، ما استقلال آنها را به رسمیت می‌شناسیم. علاوه بر این، ما دوست داریم اوکراین به‌عنوان یک کشور مستقل باشد.

آقا رییس‌جمهور، ارتش روسیه اخیراً کریمه را ضمیمه کرد روسیه کرده است. آیا روزی کریمه را باز خواهید گرداند؟

این یک خیال باطل است که ارتش روسیه، کریمه را به روسیه ضمیمه کرد. ارتش روسیه هیچ کاری نکرد. **آما کریمه به نقشه روسیه اضافه شده است، مانند همان نقشه‌هایی که در زمان ما در مدرسه تدریس می‌شد.**
حال این منطقه دوباره بخشی از روسیه است. آیا این ضمیمه‌کردن است یا اتحاد مجدد؟ از چه واژه‌ای می‌توان در این زمینه استفاده کرد؟
اجازه دهید توضیح دهم. نیروهای نظامی روسیه تحت پیمان بین‌المللی و برای حضور در پایگاه نظامی روسیه، در کریمه حضور داشتند. این موضوع درست است که نیروهای روسیه به مردم این منطقه کمک کردند تا برای استقلال خود و پیوستن به فدراسیون روسیه، همه‌پرسی برگزار کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند این افراد را از داشتن حقی محروم کند که در بند اول منشور سازمان ملل وجود دارد و آن حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود است.

آما یباین دیگر، شما در آینده کریمه را به روسیه بازخواهید گرداند؟ کریمه بخشی از روسیه است، درست است؟
با توجه به میل و اراده مردمی که در این منطقه زندگی می‌کنند، کریمه بخشی از فدراسیون روسیه است. **آ سوال بعدی من در مورد ایالات متحده است. شما در چندروز آینده اوباما را خواهید دید و در فاصله چندمتری از او می‌نشینید. اما به نظر می‌رسد او تمایلی به صحبت کردن با شما ندارد. این دیدار چگونه خواهد بود و روابط میان ثروتمندترین و بزرگ‌ترین کشورهای دنیا چگونه می‌شود؟ آیا می‌توانید از صحبت‌کردن با یکدیگر اجتناب کنید در شرایطی که نیاز مبرمی برای این کار وجود دارد و احتمال جنگ چندان از بین نرفته است؟**

شما در مورد اینکه احتمال جنگ از بین نرفته، افرای می‌کنید به نظر می‌رسد شما احساسات خشنی دارید. معلوم نیست چه عاملی باعث شکل‌گیری این ایده در شما شده و چرا مصمم به ترساندن همه ما هستید. **آ زیر اوکراین نزدیک روسیه است.**
خب، این یعنی چه؟ **آ و اوکراین جایی است که جنگ در آن جریان دارد. وقتی اوباما به جنگ اشاره کرد، او گفت چندان بعید نیست.**
عملیات نظامی شدیدی از سوی کی‌ف علیه شهروندان خودش آغاز شده است. این جنگ میان کشورها نیست و کاملاً موضوعی متفاوت است. **آ آیا فکر می‌کنید این روند باید به سرعت متوقف شود؟**
من فکر می‌کنم آقای پوروشنکو که هنوز دستش به خون کسی آلوده نشده، بهترین فرصت را دارد تا این عملیات را متوقف کرده و روند مذاکره با مردم مناطق شرقی و جنوبی اوکراین را آغاز کند.

آ روسیه و آمریکا در حال حاضر مشکلاتی با هم دارند. آیا این مشکلات بین دو قدرت است یا دوفتر، باراک اوباما و ولادیمیر پوتین؟

گزارش

اسد ماندگار شد غرب نگران بهاره محبی

نتایج انتخابات سوریه آنگونه که پیش‌بینی می‌شد با پیروزی بشار اسد همراه بود و وی که از سال ۲۰۰۰ میلادی قدرت را در اختیار دارد برای هفت‌سال دیگر به مسند قدرت نشست؛ پیروزی‌ای که بنا بر ارزیابی اغلب کارشناسان و حتی سفیر سابق آمریکا در سوریه به معنی تقویت جایگاه اسد و شکست سیاست‌های واشنگتن در قبال تحولات سوریه از جمله سقوط بشار اسد است.

به نوشته روزنامه واشنگتن‌وپاست، این انتخابات در شرایطی برگزار شد که رابرت فورد، سفیر سابق آمریکا، گفته بود سیاست‌های باراک اوباما در قبال تحولات سوریه شکست خورده است و از آنجایی که او قادر به ادامه این سیاست‌های شکست‌خورده در دمشق نبوده از مقام خود استعفا داده است. فورد در ادامه با انتقاد از عدم توانایی کاخ‌سفید در واکنش به سرعت تحولات و تغییرات در سوریه، گفته بود دلیل تهدید روزافزون قدرت‌گیری تروریست‌ها در سوریه، ایستادن آمریکا در طرف غلط داستان است. البته این تنها سیاستمداران آمریکایی نیستند که با مرور آنچه در این سمسال در سوریه رفته، از جنس دیگری سخن می‌گویند. گفته می‌شود کشورهای دیگری نیز پیش و پس از انتخابات سوریه به صرافت افتادند تا سیاست‌های خود در قبال تحولات این کشور را بازنگری کنند. به‌عنوان مثال، سوسیوس به‌زودی یک دفتر همکاری در دمشق باز می‌کند و صریح‌تر سفارت خود را بازمی‌گشاید. برخی کشورهای دیگر مانند سوئد، اتریش و اسپانیا که دفتر نمایندگی خود را در سوریه تعطیل نکرده بودند، بیش از پیش از راه لبنان به سوریه وارد می‌شوند.

حواشی جذباتر از من.

واشنگتن‌پست با اشاره به همزمانی برگزاری انتخابات سوریه و مصر با تنها چند روز فاصله می‌نویسد، آنچه انتخابات سوریه را جالب می‌کند، نه در اصل رویداد که در حواشی آن است. بشار اسد این بار هم در انتخابات پیروز شد اما با ۸۷٫۷ صد آرا، این در حالی است که در انتخابات ۲۰۰۷ نزدیک به ۹۷ درصد آرا را کسب کرده بود؛ یعنی تقریباً همان مقدار آرای که چند روز پیش عبدالفتاح السیسی در انتخابات مصر کسب کرد! آن هم در انتخاباتی که هیچ رقیبی وجود نداشت. السیسی در شرایطی با کسب ۹۷درصد آرا پیروز اعلام شد که تنها ۴۷درصد از واجدین شرایط به پای صندوق‌های رای رفته بودند. به نوشته این روزنامه، منشیات‌های این دو انتخابات واکنش‌های بسیاری را در میان کاربران فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر در پی داشته است. واشنگتن‌پست در ادامه

چند اظهارنظر توئیتری را منتشر کرده است؛ از جمله اینکه اب‌رای السیسی شرم‌آور است که آرای او بیشتر از بشار اسد است، و «خانی من! رییس‌جمهور السیسی» این روزنامه در سوریه نامیده می‌کند که اگرچه نتایج انتخابات در هر دو کشور از نگاه مخالفان و کشورهای غربی، غیرواقعی به نظر می‌رسد، اما باید به این مسأله توجه داشت که این آمار و ارقام می‌تواند بیائنگر یک حقیقت باشد و آن اینکه در مصر هستند افرادی که می‌خواهند این کشور قدرتمند باشد و آن‌ها به تازمه به ساقیه ذهنی و تاریخی خود از نظامیان به السیسی رای داده‌اند و در سوریه نیز افرادی حتی در میان اکثریت سنی، هستند که هنوز با قدرت از بشار اسد حمایت می‌کنند.

نشریه فاینانشال تایمز هم در گزارشی با پرداختن به پرسش‌های رایج درباره انتخابات سوریه، از جمله اینکه چرا بشار اسد را به‌هیچ‌فرد خاصی از جمله من متکی و مرتبط نیست، ما سازمان‌های دولتی دموکراتیکی داریم که نیازهای روسیت را منعکس می‌کنند.

آ و آخرین سوال آقای رییس‌جمهور. در سال ۲۰۱۳ فوربس شما را به‌عنوان قوی‌ترین فرد در جهان معرفی کرد. آیا از این عنوان خوشحال نشده‌اید؟
من به‌خوبی می‌دانم که قدرت در دنیای مدرن چه معنایی دارد. در دنیای مدرن عواملی همچون اقتصاد، دفاع و تاثیرات فرهنگی میزان قدرت را مشخص می‌کند. من اعتقاد دارم از لحاظ دفاعی روسیه بدون شک یکی از رهبران این زمینه است چرا که ما قدرت هسته‌ای داریم و تسلیحات هسته‌ای ما شاید بهترین در دنیا باشد.

آ بسیار از شما متشکرم. سفر خوبی به فرانسه داشته باشید آقای رییس‌جمهور.

متشکرم

یادداشت

سوموی غول‌ها در آسیا



فریدون مجلسی

از چندی پیش کشمکشی در سواحل چین و ژاپن بر سر چند صخره دریایی غیرمسکونی در گرفته است که با اغماض بسیاری می‌توان بر آنها نام جزیره یا جزیرک نهاد. چینی‌ها آن جزایر را از آن خود می‌دانند و ژاپنی‌ها نیز آن را ملک خود می‌دانند. سابقه تصرفی روشنی هم موجود نیست و ظاهراً هر دو کشور تازه به یاد آن صخره‌های فراموش‌شده افتاده‌اند و مشغول سابقه‌سازی برای اثبات حقوق حاکمیت و مالکیت آنها هستند. در یکی از این جزایر دولت ژاپن ظاهراً مالکیت فردی ژاپنی را بر آن جزیره تأیید کرده و سپس با معامله‌ای آن را به نام خود کرده و این معامله و سند را مستند حاکمیت خود قرار داده است. ظاهراً کفگیر هر دو طرف از لحاظ تأمین منابعی که برای رفع نیازهای جمعیتی فزون از حد کفایت نمی‌کند به ته دیگ خورده است! زیرا هر جزیره هر قدر هم کوچک باشد هالهای از آب‌های ساحلی و مناطق اختصاصی ماهیگیری و استخراج منافع کف و زیر کف دریا دارد! شاید هم از آن زور بی‌نفت می‌آید که این دو کشور هر دو تشنه آن هستند چند روزی است که این کشمکش و قدرت‌نمایی‌ها و تظاهرات و مانورها وارد فاز تازه و تهدیدآمیزی شده است. طرفین از رویارویی دوجانبه فراتر رفته و مشغول بارگیری بین‌المللی شده‌اند! اکنون سه‌غول اصلی اقتصاد جهانی یعنی آمریکا، چین و ژاپن و همچنین ابرقدرت اتمی روسیه پایشان به این کشمکش باز شده است. ژاپنی‌ها نوعی کشتی به نام سومو دارند که در آن غول‌هایی با عرض زیاد و ارتفاع دومتر به بالا و وزنی بالای ۲۰۰ کیلوگرم در حالی که لنگی نسبت به هیکلشان باریک از میان ران به کمر می‌پینند و گره می‌زنند، با یکدیگر سر شاخ می‌شوند. بدیهی است از چنین هیکل‌هایی چنان کشتی‌های برنمی‌آید و کشمکش و گاهی تهن‌زن‌های لرزاننده حاکمتر کاری است که از دستشان برمی‌آید. کشمکش اخیر یادآور سوموی غول‌هاست! موضوع اصلی با تشدیدکننده بحران باید فراتر از ادعاهایی بر سر چند صخره باشد. شاید بد نباشد به موضوع هر یک از این قدرت‌ها در این کشمکش نگاه کنیم: چین: ۱۶۰ میلیون نفر جمعیت در سرزمینی کوچک توانست تا نیروی کار آرازان، بهره‌مندی از منابع خام داخلی و وارداتی و توسعه روزافزون تکنولوژی به دومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شود، خصوصاً آنکه محرومیت از حق داشتن ارتش مستقل و بر دوش نداشتن هزینه‌های زیانبخش آن نقش مهمی در توسعه اقتصادی و صنعتی و علمی آن کشور داشته است. اما مزیت کارگر آرازان درتجرا از میان رفت و توسعه صنعتی و صادرات جایگزین آن شد. این دوران نیز با پدیداری تایوان و کره‌جنوبی و مالزی و دیگران با چالش بسیار روبه‌رو شد. ورود ناگهانی چین در عرصه رقابت جهانی با همان مزایای پیشین ژاپن و قبضه‌کردن بازارهای جهانی، اقتصاد ژاپن را رقابتی‌تر کرده و درحد رشد اقتصادی آن کشور را به حد صفر تا یک‌درصد رسانده است! چشم‌انداز امید بخشی هم انتظار نمی‌رود. توسعه اقتصادی چین و هند و اندونزی و برزیل نیاز آنان را با منابع خام بیشتر و هزینه‌های مواد خام وارداتی ژاپن را بیشتر و شرایط رقابتی آن را بدتر هم خواهد کرد. اکنون چین در زملی اندک بزرگ‌ترین تولیدکننده اتومبیل شده است که زملی بازاری ژاپنی تلقی می‌شد. نگاه‌کردن به جزایر کوچک از دیدگاه منابع و شاید نفت زیر دریا شاید مهم باشد. اما این روزها ژاپن را با آن گلبم خود فراتر نهاده و از زیارت نمایان نخست‌وزیر از پامان شهادی جنگ تجاوزکارانه کشورش که همواره برای چین و کره تحریک‌کننده بوده به عرصه تهدید بازسازی میلیتاریسم ژاپنی و گردنکشی کشانده است. شاید آمریکا هم بش ناید که ژاپن این‌ما مشارکت در هزینه‌های نظامی از آن محرومیت‌رشی فقط منتفع نشود و احتمالاً در بازسازی نظامی و نیروی دریایی ژاپن دیدگاه‌های ایجاد اشتغال و تحرکی در صنعت آن کشور بی‌تاثیر نباشد.

آمریکا نیز نگران تأمین منابع اولیه خود و توسعه اقتصادی و صنعتی چین و هند و دیگران است که آنها نیز به‌نوبه خود منابع اولیه خوششان و جهان را می‌بلعند و در خاک آمریکا رقیب صنایع خوششان شده‌اند! آمریکا پس از فروپاشی شوروی چند سال به تکرار قدرت جهان تبدیل شد، گوئی اکنون به این مفت عادت کرده است و پدیداری قدرت‌های دیگر را برنمی‌تابد! جمع ذخیره آرزى چین به حدود دوتریلیون دلار رسیده و این ششمینری دولیه است! از یک‌سوی چین را قادر می‌کند با بازی با ذخایر خودش در بازار آمریکا آشفنگی ایجاد کند و از سوی دیگر به آمریکا امکان می‌دهد با درپیش گرفتن سیاستی توری و بالابردن هزینه دستمزدها و کاهش ارزش دلار به ذخایر چین زبان‌های بزرگ وارد کند. اما اکنون مرحله جهان تک‌قطبی به پایان رسیده است. چین برخاسته و روسیه نیز جایگاه قدرتمند خود را بازمی‌یابد و قدرت‌های دیگر در رهند و اروپا نیز به‌عنوان شریک استراتژیک و قومی و فرهنگی اروپا بر محدودیت‌ها و مشکلات اروپا در رقابت‌های مدارتی و تأمین منابع خام واقف است. کشاندن کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه اروپا و سپس به اتحادیه نظامی ناتو تا حدی روسیه را به افزا کشاند و با تحریک اروپا در سقوط دولت فاسد اوکراین و شتاب در اروپایی‌کردن و نه ناتو‌کشاندن آن کشور، روسیه را به‌عنوان کشوری که از منابع خلیع بسیار برخوردار است، متوجه و نگران نوعی نیمه‌مروس به تجزیه قلب پیش‌بینی آن کشور منجر شد و احتمالاً آمریکا نیز با حمایت از ادعاهای ژاپن در برابر چین به نوعی بحران وضعیتی است که در اوکراین با آن مواجه شده‌اند! آمریکا به استناد پیمان تضمین امنیت ژاپن خودش را متعهد به حمایت از ادعاهای آن کشور دانسته است. البته ژاپن دارای هویت و جغرافیای سیاسی مشخصی است و شمول ادعاهای مبهم و احتمالاً بی‌اساس، به پیمانی مشخص و مستند، گذشته از آنکه به‌لحاظی دوگانه به نظر می‌رسد، اصولاً برای اشخاص ثالث تعهدآور نیست! اما نشان‌دهنده ورود جابان‌داران در مساله و تسویه‌حساب مسائل دیگر با چین است. روسیه اگرچه فقط در روزهای پایانی جنگ دوم به ژاپن اعلان جنگ داد، اما در غنایم شریک شد. جزایر کوریل شمالی را که ادامه طبیعی سلسله‌جزایر ژاپن هستند، تصرف کرد. این جزایر اهمیت استراتژیک دارند و مانند دیوار و سدی سواحل روسیه را از قبائل آرام محافظت می‌کنند. استراد این جزایر به ژاپن دفاع از سواحل روسی قوتان آن را برهنه و مشکل خواهد کرد. روس‌ها تاکنون حاضر به قبول هیچ مذاکراتی بر سر آن جزایر که تعلق تاریخی آنها به ژاپن مسلم است، نشده‌اند و اکنون بیم آن دارند اگر ژاپن در دعاوی خود در مقابل چین موفق شود، سپس مساله جزایر کوریل را مطرح خواهد کرد که با توجه به وضعیت دفاعی روسیه در آن منطقه قطعاً مورد حمایت آمریکا هم خواهد بود! روس‌ها هم به این دلیل، هم به دلیل مداخلات غرب در اوکراین و سیرزمین‌های روسیه آنها را حیاط خلوت خود می‌دانند و هم به دلیل جبهه‌گیری جدید غرب و شرق یادآور دوران جنگ سرد، از چین حمایت خواهد کرد تا متقابلاً در دعاوی خود در کوریل و اوکراین از حمایت چین برخوردار شود. چین که به اندازه کافی از ژاپن و غرب لطمه خورده است، اکنون که در دوران افتلا و توسعه صنعتی خود دارد، تجدید حیات میلیتاریسم ژاپن را برنخواهد تابید، به توسعه نظامی خود ادامه خواهد داد، موقعیت خود را هم در تبت و سین‌کیانگ تقویت خواهد کرد و در صورت حرکت جدی و تهدیدآمیز ژاپن به سوی حمله، مدعی جبران خسارت‌های بی‌حساب دوران جنگ دوم خواهد شد و اتفاقاً در این قضیه از حمایت متحان آمریکا که قربانیان ژاپن بوده‌اند، مانند کره، فیلیپین، اندونزی و دیگران نیز برخوردار خواهد بود! دست به قبضه بردن بر سر مساله صخره‌ها از سوی ژاپن اشتباه بی‌ثمری است و کشمکش سومو کشتی واقعی نخواهد شد، زیر کشتی واقعی میان این غول‌ها ویرانگرتر از آن است که رخ دهد!

این یک اتفاق مهم برای اروپا و جهان است. ما به کسانی که مانع از به‌رگرفتی رفته‌شده اروپا توسط نازی‌ها شدند ادای احترام خواهیم کرد. من اعتقاد دارم حضور روسیه و

اتحادی منحصربه‌فرد است. موضوع این است که روسیه و ائتلاف کشورهای ضد هیتلر از جمله فرانسه، متحدانی بودند که برای تحقق آزادی مبارزه کردند و کشور من نقشی مهم و شاید بتوان گفت نقشی تعیین‌کننده در شکست نازی‌ها داشت. اما هرگز نباید سربازان فرانسوی را فراموش کنیم که دوشادوش ما در جبهه شوروی علیه آلمان جنگیدند. من عقیده من این است که این موضوع نه‌تنها باید یادآور تاریخ مشترکمان باشد، بلکه باید به ارتقا روابط میان طرفین در زمان حال و در آینده کمک کند.

آ مطمئناً شما و روسیه جایگاه قابل‌قبولی در نرماندی خواهید داشت. ۴۰سال از عمر شما در دوران اتحاد جماهیر شوروی گذشت و شما شاهد فروپاشی آن بودید. گفته می‌شود شما هم‌اکنون در حال احیای روسیه هستید. دوست دارید چه اتفاقی بیفتد؟ اهداف مدنظر شما چیست؟ آیا راهکار روسیه، مذاکره است یا توسعه و تصرف؟

سیاست توسعه‌طلبی و تصرف هیچ آیندای در دنیای مدرن ندارد. ما مطمئینم روسیه می‌تواند و باید در حال حاضر و در آینده، با ائتلاف‌های بین‌المللی هم‌پیمان و شریک باشد. **آ آیا شما می‌خواهید از ملت روسیه دفاع کنید یا دوست دارید به نماد ملی گزایی و سلطنت روسیه تبدیل شوید؟ به یاد داریم که شما در مورد فروپاشی شوروی گفتید «این فروپاشی، به‌ترین فاجعه ژئوپلیتیک در قرن بیستم بود،» شما همچنین گفتید آنهایی که از فروپاشی روسیه ابراز آسافند نکنند، قلب ندارند و آنهایی هم دوست دارند آن را احیا کنند، از نیروی عقل بی‌بهره‌اند. شما انسان عاقلی هستید. شما چه پیشنهادی دارید: ملی‌گرایی روسیه یا احیای سلطنت روسیه در مرزهای پیشین خود؟**

ما نه می‌خواهیم ملی‌گرایی روسیه را تقویت کنیم و نه به‌دنبال احیای سلطنت روسیه هستیم. منظور من از آن جمله این بود که فروپاشی شوروی، یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های «بشری» در قرن بیستم بود. منظور من این بود که تمام شهروندان اتحاد جماهیر شوروی در یک کشور متحد و بدون توجه به قومیت‌شان زندگی می‌کردند و پس از آن فروپاشی، نزدیک به ۲۵میلیون روس به شهروندان خارجی تبدیل شدند. این فروپاشی که یک بحران سیاسی و ایدئولوژیک بلکه بحرانی انسانی بود. خانواده‌ها از هم جدا شدند، مردم مشاغل خود را از دست دادند و ابزارهای موجود برای برقراری ارتباط میان مردم از بین رفت. مشکل مورد اشاره من، همین موضوع بود.

آ و در مورد آینده؟ آیا به‌دنبال برقراری دوباره این سلطنت در مرزهای قبلی هستید یا اینکه می‌خواهید به توسعه کشورتان در میان مرزهای کنونی ادامه دهید؟
مشخص است که ما به‌دنبال توسعه کشورمان در میان مرزهای کنونی هستیم. اما همچون دیگر کشورها در دیگر نقاط جهان، به‌دنبال استفاده از سیاست‌های مدرن برای ارتقای مزیت‌های رقابتی همچون تعامل اقتصادی هستیم. این همان چیزی است که در دوران پس از شوروی در اتحادیه گمرکی و هم‌اکنون در اتحادیه‌یوراسیا به‌دنبال آن هستیم.

آ آقای پوتین، داریم در این مورد صحبت می‌کنیم که چرا کشور همسایه یعنی اوکراین، دوباره شده است. در حال حاضر نیروهای فراروداسر روسیه خواهان رسیدن به مرزهای کنونی هستند. چه کسی می‌تواند آنها را متوقف کند و سیاست مورد نظر شما چیست؟
من آنها را طرفدار روسیه یا اوکراین نمی‌خوانم. آنها مردمی هستند که حقوق انسانی و سیاسی مشخص دارند و باید فرصتی در اختیارشان قرار گیرد تا این حقوق محقق شود. به‌عنوان مثال، استانداران سراسر اوکراین هنوز توسط کی‌ف منصوب می‌شوند. پس از کودتای غیرقانونی در کی‌ف در ماه فوریه، اولین کاری که مقامات جدید به‌دنبال آن بودند، محروم کردن اقلیت‌های قومی در استفاده از زبان مادری‌شان بود. این موضوع باعث نگرانی شدید ساکنان شرق اوکراین شد.

آ آیا معتقدید در آستانه یک جنگ سرد دیگر قرار داریم؟
امیدوارم که در آستانه هیچ جنگی نباشیم. دوم اینکه